

کارمندان دولت را دریابید پایمال کودن قانون اساسی!!

اجازه ندهید این گروه اجتماعی شرافتمند
به بردگی انحصار گران در آیند

در صفحه چهارم

آرمان ملت ارگان حرب ملت ایران

سال یکم شماره ۴۲ سهشنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۹ بهار ۱۵

یادبازگشت امام خمینی

به میهن

روزیکه یگانگی ملت در مظهر یگانه تاریخ تجلی یافت

دوادهم بهمن ماه، یاداور شور و همیستگی و هنومائی سا
لحظه‌های فراموش نشدنی است که تپیدن دلها، تیغه‌تیز سرما
را می‌شکست و اسفالت بخ زده خیابان را پایکوبی پاران گرمای
می‌بخشد.
خون تازه‌ی زندگی در رگها می‌دوید و با خود نوای امید و
بهروزی به نامی هستی جاری می‌ساخت.
آنرور بر دروازه‌ای آذین شده باللهای سرخ شهادت و
شمع‌های برافروخته، مردم انقلابی ایران، درانتظار دیداری
استثنای بودند.
بقیه در صفحه دوم

سی سال پیکار خستگی ناپذیر به سوی آینده، به سوی آزادی، به سوی پیروزی

در صفحه سوم

جشن کتاب‌سوزان عملکردهای بیگانه شاد کن انحصار گران

می‌کند و سراجام دستگیر
مینمایند.
این اولین بار نیست که جوانی
را به اتهام فروش روزنامه‌ی یک
حزب یا سازمان کنک میزند و
خودش و روزنامه‌هاش را به
کمیته میرند.
این اولین بار نیست که بطور
رسمی یا غیررسمی اقدام به
جمع‌آوری کتاب از کتابخانه‌ها و
کتابفروشی‌ها می‌شود.
همه‌ی اینها در طول این
دو سال سارها اتفاق افتاده است.
ولی شاید در تاریخ سه را این
اولین بار اش که حکم اعدام،
برای کتاب صادر می‌شود!
راستی کشور به کجا می‌رود؟
ایران را چه شده است که این سال
نه هر کس که حر به دلخواهشان
نقطه در صفحه ششم

جنگ قدرت

در واحدهای صنعتی ناتوانی «مدیریت» دشواری بزرگ صنایع ملی شده شورا یا انجمن اسلامی؟

عدم مدیریت، ملی اعلام نمودند
و امروزه شاید نزدیک به هشتماد
در صد از صنایع ایران ملی شده
است و در اختیار سازمان‌های
دولتی یا نهادهای انقلابی قرار
دارد.
با بررسی عملکرد یکسال و
نقیه در صفحه ششم

کنفرانس سران کشورهای اسلامی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران

«جنگ ایران و عراق ساید بیزودی
خاتمه یابد و ترکیه و پاکستان
کتاب حمله می‌شود یا
کتاب‌فروشیها به آتش کشیده
می‌شود.

این اولین سار نیست که به
دکمه‌ای فروش روزنامه حمله
می‌کنند، روزنامه‌ها را پاره
می‌کنند، دکه‌ی روزنامه اورن که
هردو با کودتای ظالمی
را کنک می‌زنند و زخمی

چین در آغاز دورانی نو انقلاب فرهنگی، کودتاًی بود علیه انصباط و تخصص

پس از هفته‌ها دادرسی
« Jianq چینگ » سیوه مائو به
مرگ محکوم شد. اما دادرسان
دادگاه ویژه پکن کیفر صادره
در مورد سیوه مائو را در صورت
تفیر و اصلاح طی دوران دو سال
زندان به حبس ابد تخفیف
دادند.

به اعتقاد کاربودستان کنوسی
چین انقلاب فرنگی در حقیقت
کودتاًی بود علیه انصباط،
تخصص و جدول ارزش‌های گذشته
چین.

کاربودستانی به مانند « چوئن »
لای و « تینگ شیائوپیگ »
در هیاهوی انقلاب فرهنگی
می‌شد، اکنون خود را تنهایا

گستاخی ریگان

شیوه نا درست رها کردن جاسوسان امریکائی دولت هیچ پیروزی نداشته است

راهکردن جاسوسان بازداشتی
به نمایندگان مجلس و سخنگوی
دولت در مصاحبه مطبوعاتی و
رادیو تلویزیونی خود نیز
جاسوسان بازداشت شده را
« گروگان » خوانده است و رئیس
جمهور هم در کارنامه خود که در
روزنامه انقلاب میگذرد، به موجب
در اختیار دولت قرار گرفته است،
پس از تصویب این قانون،
لایجه‌های تکمیلی دیگری نیز به
تصویب رسیده و بسیاری از
واحدهای صنعتی و کشاورزی را
به استناد دریافت و امدادهای سنگین
از بانک‌ها و نیروخانه‌ها و
بهدهی‌های مالیاتی و یا به علت
نقیه در صفحه هفتم

جنگ رابه « بازی الفاظ » نکشانید دولتمردان در توجیه ندانم کاریها!

جنگ همچنان به دیری می‌پاید و در همه جبهه‌ها
حال رکود می‌گیرد و دولتمردان در توجیه آنچه از
ندانم کاری بیدید آمده است با خونسردی پندره‌ها و
واژه‌ها و عبارت‌های نوی سکه می‌زنند.
کار جنگ را به « بازی الفاظ » نکشانید و
رویدادهای آن را در شبکی پایان ناپذیر این روزهای
واژه‌های غیردقیق و حقیقی پیچانید و گاه و
بی‌گاه هم، به اقتضای فراز و فرودهای میدان نبرد،
پندره‌های تازه‌ای به میان آوردن، بذر بدگمانی پاشیدن
و نهال بی‌تفاوتی نشانیدن است
همه زمینه‌های زندگی مردم به « بازی الفاظ »
کشیده شده زندگی سیاسی و زندگی اقتصادی و
زندگی فرهنگی زمینه‌ای گردیده است برای آزمایش
قدرت سخنوری و واژه‌پردازی.

دولتمردان، اصلی ترین خواستها و والترین
آرزوهای مردم را موضوعی تلقی می‌کنند برای نشان
دادن « قوت طبع » و گرددۀ ملی برای چاره‌جویی بر
انبوه دشواری‌ها و « فسحت میدان ارادت » می‌پندراند
و در آن گویی سخن « می‌زنند » و « اسب بلاعث »
می‌جهانند. در این میان دردها فزوخته می‌شود و
مصیبت‌های انسانیت و مردم « غم » بر « غم » می‌نهند
ولی دولتمردان « سخن » بر « سخن » می‌چینند.

هر « سخن » هم که گزاف و بسیار می‌باشد در آیینه
ناراستی آن چون قرص خورشید در آسمان عیان
گردد، اندک بروای خویش راه نمیدهدند و با « چرب
زبانی » سخن دیگر گون می‌آورند و به آسانی بر
یکدیگر بهتان بی‌همتی و ناگاهی می‌پنند.
یک روز با دلیری از « درست شدن کار کشاورزی »
سخن میراندند و افتخار آن را به نام خویش و به رای
خویش بار می‌کنند و آنگاه که ناراستی این سخن آشکار
می‌گردد، غبار از شانه خویش می‌تکانند و چوب تهمت
بر سر و صورت دیگران می‌کویند.

روزی دیگر از « افزایش سطح اشتغال » سخن
میدارند و چون ادعای پوج از آب در می‌آید، گناه برای
سایر این می‌نویسند.
نقیه در صفحه دوم

نیروهندگان اسلامی ایران

آرمان‌ملت

ارگان حزب ملت ایران

سه شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۹

- چهل و هشت نوع جرم و خطا
- انواع مجازات‌ها
- مجازات‌های مسئولان سابق
- ضوابط انصاف‌الدائم
- مجازات تشكیل گرووهای غیر قانونی
- اختیار هیات‌های بدیهی و تجدید نظر
- محل‌های هیات‌های بازسازی

تهیه لایحه، پس از مدت‌ها وقت گیری، زیر نظر «کارکشتنگان» کانون انصصار گرگی نوشته شده و بانیرتکه‌ای «مکتبی» طوری تنظیم گردیده که صاحبان قدرت به راحتی بتوانند هر کس را از کار برکنار نمایند و هر کس را که خواستند بکار بگمارند.

دولتها زور مدار اندیشه‌های خود را بخردانه ترین اندیشه‌ها میدانند و کردارهای خود را درست ترین کردارها می‌شناسند و سخنان خود را بهترین سخنان می‌شمارند

«هیات عالی نظارت بر بازسازی نیروی انسانی» در همه وزارت‌خانه‌ها موسسه‌های دولتی با وابسته به دولت، دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی، از پنج تن تشکیل می‌شود:

- یکتن از سوی مجلس شورای اسلامی (= پایگاه انصصار گران)
- یک تن از سوی شورای عالی قضائی (= پایگاه قضائی انصصار گران)
- یکتن از سوی نخست‌وزیر (= پایگاه اجرائی انصصار گران)
- دو تن از سوی وزیر یا بالاترین مقام سازمان (= که خود از وابستگان کانون انصصار گرگی است).

هیات‌های بدیهی و تجدید نظر که باید فراهم آورند سندهای لازم و به احتمال مدافعت کارمندان باشند، آنها هم از سوی «هیات عالی نظارت» برگزیده می‌شوند یعنی آنها هم از وابستگان کانون انصصار گرخواهند بود و اگر شخصی جز آنها انتخاب شود طبق بند ۵ ماده سوم، باید «آموش‌های لازم!» را قبل از شروع کار دریافت دارد.

هریک از اعضای هیئت‌های سه گانه به محض سربیجی از دستورهای کانون قدرت، طبق سندهای ماده پنجم از کار برکنار خواهد شد و در هر روز از خود می‌شود بطور ویژه بر کارها نظارت خواهد کرد. درباره عضویت در این هیات‌های سه گانه در ماده دهم بند الف نوشته است که باید:

- مسلمان و متهد و درحد قیام به فرائض و ترک مناهی شرع باشند «خداند کند چنین باشند اما هیچ مسلمانی، نمی‌تواند ادعا کند که در مقام «ترک مناهی» وجود دارد که معلوم نیست یک مسلمان صادق و متهد و قائم به فریضه‌ها، تاچه اندازه قادر به ترک همه آنها است، و به محض اینکه نسبت بوجود آید آشکارا نیست تا چه اندازه ترک مناهی عامل عضویت دوهیات‌های سه گانه می‌تواند باشد.

این خود «دم خروش» است که در لایحه آمد. این خود نه تنها تأثیر محدودیت‌های این انتخاب را بعضاً هیات‌ها درآید، یا به بیان این قدر کسانی که «مکتبی» ها، تشخیص مسلمانی او را بدنه، «ترک مناهی» کردند!

طبق ماده دوازدهم «گروههای تحقیق و بررسی» دره ر وزارت خانه‌ای زیر نظر هیات‌های سه گانه تشکیل می‌شود تا:

- پرونده متهمن اخراجی را مطالعه نمایند.
- تحقیقات محلی بعمل آورند (در غیاب متهمن)

نظم «رستاخیزی» سلطنت ساقط شده، می‌تواند برای کاربدستان کنونی ایران باشد

- با متهمن مصاحبه کند.
- وضع متهمن را قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بررسی نمایند.
- گزارش این گروههای که برگزیده کانون انصصار گری هستند طبق ماده سیزدهم «در حکم اسناد معتبر محسوب می‌شود».
- گروههای تحقیق داشتن چهل و هشت نوع جرم و خطا را مشمول قانون میدانند یعنی هر کس را می‌توان به نحوی مجرم و خطاکار دانست و

کارمندان دولت را در ریاست پایمال کردن قانون اساسی!!

اجازه ندهید این گروه اجتماعی شرافتمند به برده‌گی انحصار گران در آیند

در هیچ جای دنیا هم نتوانسته‌اند از این طریق به جایی برسند و حداکثر توفیق آنها ایجاد جواختاق و ریاکاری بوده است آنهم پس از مدتی انفجارهای «سازمانی» بوجود آورده که پارهای وقتهای، حتی نظام حکومتی را به تزلزل انداخته است.

پس از انقلاب اسلامی، دولت موقت و بدنه آن دولتهاز دیگر، در خط پاکسازیهای اداری قرار گرفته‌اند اما هیچ‌کدام اصل قضیه را مورد توجه قرار ندادند و انقلابی واسلامی با موضوع روپرورد نشدن:

– نیازهای جامعه در این دو سال مورد بررسی قرار گرفت تا بر بنیاد آنها نظام اداری ایجاد گردد.

کارمندان شریف دولت را، جاسوس و خبرچین نکنید

– چون نیازها شناخته نشده بودند، کار بدستان نتوانستند نیروهای مورد توجه را از میان کارمندان سابق انتخاب نمایند.

در نتیجه بجای «گزینش» نیروهای کارآمد، به «حذف» نیروهای گذشته پرداخته شد.

در مسأله حذف، یا بزبان دیگر «پاکسازی» چون ضایطه و ملاک درستی فراهم نشده بود، تنها برخی واbastگان نظام پیشین و گروندگان به کانون‌های قدرت برون مرزی، کنار نهاده نشدن، گاه پارهای اشخاص فاسد و سیاستی اعتبر، خود را در زمرة شدن و گاه افراد پاک وی غرض و کارهای به علت چنین چیزی از کار برکنار گردیدند.

نتیجه دو سال دست اندازی دولتهاز پس از انقلاب بر سازمان‌های کشوری از گذشته به جای اندک علاوه بر شخصیت‌های درجه اول سازمان‌های اداری، کوشش عمل می‌آمد، تا کسانی «اداری» بشمار آیند که بر نظام سلطنتی و عملکرد های حکومتی آن اعتقاد داشته باشند، در دوره شاه خلع شده این روش شدت یافت و «سازمان‌های حفاظت» وابسته به «ساواک» کمایش اندیشه و گفتار و کردار کارمندان دولت را زیر نظر مقتضی خود قرار داده بودند.

در آغاز سلطنت بیگانه ساخته پهلوی، اندک

اداری، کوشش عمل می‌آمد، تا کسانی «اداری»

بشمار آیند که بر نظام سلطنتی و عملکرد های

حکومتی آن اعتقاد داشته باشند، در دوره شاه خلع

شده این روش شدت یافت و «سازمان‌های حفاظت»

وابسته به «ساواک» کمایش اندیشه و گفتار و

کردار کارمندان دولت را زیر نظر مقتضی خود قرار داده بودند.

چند روز پیش دولت حاکم بر ایران انقلابی، با بردن لایحه به مجلس زیر عنوان «لایحه بازسازی نیروی انسانی» به حاکمیت انصصار گرانه کانون قدرت گستردگی بیشتری داد و بی‌شک با تصویب این لایحه آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های بیشتری در جامعه بوجود خواهد آمد.

با اینکه دولت انصصار گر، اگر تایع قانون بود، انسانی از مجلس دیگر به دولتهاز بی اعتماد احتیاط این انتخاب اجراء نماید

با اینکه دولت انصصار گر، اگر تایع قانون بود، بخش‌های عمدات از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در رابطه با ازدایهای فردی و اجتماعی زیر پانمی گذاشت، و در باب «قضای و احراق حقوق مردم، ستمگری و اجحاف روا

نمی‌داشت، اکنون با دادن این لایحه می‌خواهد به تمام حرکت‌های ضد انقلابی خود جنبه قانونی بدهد و تصوفه‌های عقیدتی و پایداری‌های انسانی و پرهیزگاری‌های کارمندی را به عنوان دروغین

«اسلامی کردن نظام اداری» از میان بردارد و از کارمندان آبرومند و شایسته کشور که به اسلام و انقلاب و رهبری آن علاوه‌مندند، برگان سر برزیر و

بی‌شخصیت سازد که به تحقق این گروه اجتماعی گستردگی این انتخاب قرار گرفتند. این رویداد خواهند داد، به همان سان که در برابر نظام قوی‌تر ساقط باخاستند و به پیکارهای خونین گشیده شدند.

لایحه جدید، شصت و یک ماده دارد و بخش‌های عمده آن عبارتند از:

– نحوه تشکیل هیات‌های جدید بازسازی (=پاکسازی)

– هیات‌های تجدید نظر

یک از ویژگی‌های حکومت‌های توتالیtarیستی در جهان، ناود کردن توسعه و استکار و حاکمت اصل یکپارچگی بر شالوده قدرت در سراسر این دولتهاز حق با آنهاست تدلیل ایکه اعتقاد دارند «الحق لعن غالب!»

ایران که عله خودرا همیشگی تلقی می‌کنند، اندیشه خودرا بخداه بخود را درست‌ترین کردارها می‌شناسد و سخنان خودرا بهترین سخنان می‌شمارند.

زور مداران حاکم در گمان پروریهای خود، توسعه قدری، و «فرعونیت» میراند و چون با اکنک‌های بسیارهای آن است، روبرو می‌شوند دیگر نه تنها پیش از این در آن باقی می‌ماند و می‌توانند به عقب ناز گردید، ایران در سراسر سقوطیه دوزخ خودساخته پس از کارهای ایشان فرو می‌روند و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون.

حاکمیت سرگردانی و نومیدی در سرتاسر ایران از سازمان نخست وزیری تا دایره کوچک یک دهستان!!

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده که حکومتی «هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» (بند ۶ اصل سوم) را محظوظ

باشند، کوشش عمل می‌آمد، تا کسانی «اداری» بشمار آیند که بر نظام سلطنتی و عملکرد های حکومتی آن اعتقاد داشته باشند، در دوره شاه خلع شده این روش شدت یافت و «سازمان‌های حفاظت» و «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسویت او در برابر خدا» (بند ۶ اصل دوم) تحقق یابد و جامعه درست یافته و «سازمان‌های حفاظت» و «اصلاح اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی» (بند ۷ اصل دوم) حرکت نماید و «همبستگی ملی» را فراهم آورد.

با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

از «رشد فضائل اخلاقی و براساس ایمان و تقوی» (بند ۱ اصل سوم).

– «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» (بند ۷-۸ اصل سوم).

– «رفع تعییضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» (بند ۹-۱۰ اصل سوم).

– «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» (بند ۱۵-۱۶ اصل سوم) سخن به میان آمده است.

با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

– «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعریض مصون است» (اصل بیست و دوم).

– «تفییش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعریض و مواخذه قرار داد.» (اصل بیست و سوم).

– «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و صالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.»

«دولت موظف است بارایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احرار مشاغل ایجاد نماید» (اصل بیست و هشت).

– «رفع ازدای انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌گشی از کار دیگری» (بند ۴-۵ اصل بیست و سوم).

اما در عمل، کردارهای حکومتی، سرپردازی اساسی که منتشر خونین انقلاب اسلامی ملت ایران است، نظم پیدا می‌کند.

مسلمان بودن هر کارمند اداری باید به تشخیص «مکتبی‌ها» باشد

این نظم، مبتنی بر قانون بیست، نظمی است که برخاسته از زور مداری می‌باشد، به همان سان که در حکومت‌های توتالیtarیستی وجود دارد و به تحقیق «نظم» هائی از این دست که برای قانونی، آزادی کشی، اجحاف و انحصار گری سیاست و می‌باشد. سخت بی اعتماد و سست و میان تهی ایجاد باشند، باکوچکترین حرکت مردمی و از گون خواهد شد، بسان حکومت همه افراد از قدران و سلطه گران، وابسته و غیره وابسته، از جمله نظم «رستاخیزی» سلطنت ساقط شده که می‌تواند، روش ترین و گویاترین در میان معمای بر قانون بیست، نظمی است که در دوران انقلاب کارمندان دولت با انتظام گرفتارها و تحت نظر قرار داشتنها علاوه‌مندی فراوانی، وانتشار اعلامیها و مکمل‌های مادی و معنوی دیگر، در جلوی صفحه‌های انقلاب قرار گرفتند. این رویداد علاوه بر حقانیت انقلاب و گرایش مردمی به آن، نشان شکست نظام «دیوان سالاری پهلوی» نیز بود و برای کسانی که در راه نظم دادن‌های جدید هستند براستی می‌تواند درست باشد. که بازور هستند براستی می‌تواند درست باشد. که بازور گرد گرایانه و مبتنی بر نیاز جامعه مستقل نبود.

– مردم بر روی هم از آن سازمانها راضی است که نداشند و معتقد بودند که به جای تسهیل در کارها، این سازمانها، ایجاد گشته مشکلات و معضلات سیستمی هستند.

پذیرند.

در این کمیته باید دبیر کل کنفرانس اسلامی و نماینده گان کشورهای سنگال و گامبیا و پاکستان و بنگلادش و ترکیه و گینه و سازمان آزادیبخش عضویت داشته باشد.

کنفرانس پیش‌بینی کرده در صورت درخواست این کمیته جهت تحکیم آتش‌بس! می‌درنگ یک نیروی اسلامی تشکیل گردد.

کنفرانس راعلامیه بایانی خود بر عالم‌مندی کشورهای اسلامی برای تعویت سازمان ملل متعدد و سایر نهادهای بین‌المللی! که چار چوب سالمی برای همکاری و وسیله‌ای برای حل اختلافها و از میان بردن بحرانها می‌باشد تاکید کرده است.

کسانی بودند که شرکت ایران در کنفرانس سران کشورهای به اصطلاح اسلامی را ضروری می‌دانستند و آن را نوعی خروج از ازوای سیاسی تلقی می‌کردند ولی گرددش کار این گردهم‌ائی بدون تجانس بخوبی نشان داد هرگز نباید فربیت هم مانندی های ظاهری را خورد به دامهای که دست نشاند گان ابرقدرتها می‌گسترند فرو افتاد.

نماینده گان دولت جمهوری اسلامی تنها میتواند با برقراری داده گان دولت‌هایی نشست و برخاست و گفتوگو داشته باشد که به راستی از استقلال بهره‌ور هستند و در زیر هیچ‌گونه سلطه بیگانه قرار ندارند و به آزادیهای فردی و اجتماعی نیز احترام می‌گذارند و با رای مردم خود روی کار آمدند.

شهادت سریار وظیفه حمید مجیدی را به خانواده‌های مجیدی - عدی اسماعیلی و سرکار خانم اسماعیلی تسلیت می‌کویم و سرلندی نازماند گان شهید نبرد می‌هنی را ز درگاه آفریدگار بزرگ خواستارم.

محسن عبدالی

داشته باشد، دوباره بزنگیر استبداد استوارتی بشنند؟

چگونه بخود اجازه میدهید که طبق ماده پنجاه و سوم لایحه یادشده کارمندان شریف و پاکدامن کشور را بصورت جاسوس و خبرچین درآورید. آقای نخست وزیر، آقایان وزیران، اگر شما به زرفنای دیانت مقدس اسلام آگاهی ندارید، اگر شما، «مفخر قرآن» را نمی‌شناسید، اگر شما به آزادگی و تناهی اسلامی اعتقاد ندارید، بدانید و اگاه باشید که این ملت بزرگ در اسلام حیات انسانی یافته و در این حیات بزرگترین فرهنگها را ساخته است.

با زور و ایجاد ترس و وحشت
وحتی القاء ایدئولوژی از هر نوع، نمی‌توان نظام اداری یک کشور را مردم سالارانه پایه ریزی کرد

آقایان بی خبر از اسلام، ملت ایران در اسلام انقلاب کرده است و با اسلام بزرگترین حمامه تاریخ را بوجود آورده است و هیچ‌کس قادر نخواهد بود این مدارا و این بزرگ‌منشی این حرکت و آزادگی را نابود سازد و شما ای نماینده گان ملت، شما که در برابر ناخداهانه‌ترین لایحه‌های ضدانسانی و غیراسلامی قرار گرفته‌اید، به وظیفه نماینده‌گی و اخلاقی و ملی خود عمل کنید و با طرد لایحه‌ای مجلس، دیگر به دولت‌های بی‌اعتبار اجازه ندهید، حیثیت ملت و حرمت انقلاب را که دارد و با ناگاهی‌ها و غرض‌ورزی‌های خود، جامعه را بتلاشی کشاند و سلطه بیگانگان را بر میهن رها شده ما استواری دهند.

زمان، زمان حمیت است و تاریخ بداوری نشسته است.

کنفرانس سران کشورهای اسلامی

دلای هانی الحسن‌ها و فاروق قدموی‌ها ذراهای تردیدجه خود راه دهد.

بی‌شک ماهیت سران کشورهای به اصطلاح اسلامی و همه این دلالا برایانیان آزاده پوشیده نمی‌باشد و هیچ انتظاری از این خود فروختگان ندارد و نیازی هم به پادرمیانی چنین میانجی‌هایی نیست.

ملت ایران به باری بروزه گار و پایداری فرزندان دلیر خویش همه توظیه‌ها را در هم می‌شکند و برای پاسداری از سرمین و شرف ملی خود از توانائی بایسته برخوردار هستند.

بهر حال سومین کنفرانس

خدوفروختهای که آلت اجرای سیاست‌های استعماری هستند در عمل گامی برخلاف سیاست امبریالیسم امریکا و زاندارم آن

در منطقه یعنی اسرائیل سردارند و برای تحقق آرمانهای ملت فلسطین همه منابع اقتصادی و نظامی خویش را بکار گیرند.

این سران کشورهای به اصطلاح اسلامی، به شهادت تاریخ، بارها با کشی‌ترین دشمنان اسلام و مردم گشود خویش برای ادامه حکومت ستمکارانه دست دوستی داده‌اند و چه بسیار توطنده که علیه دیگر کشورهای اسلامی چیده‌اند.

براساس گزارش‌های سران کشورهای اسلامی دروز

دهم بهمن ماه به کار نمایشی پرژیزنه خود بی‌هیچ نتیجه گیری ارزندگی ایان داد.

کنفرانس دریگری که صادر کرد به شدت به دولت اسرائیل حمله‌ور! شد و از همه کشورهای اسلامی درخواست کرد از منابع نظامی، سیاسی و اقتصادی از جمله نفت

دولت ریگان و وزیر خارجه اش نیز از این ماده جیانی را از خلیج فارس پریزدند به انقلاب اسلامی ملت ایران به توصیه کسینجر دلال معروف شهپر نیسم و وزیر خارجه اسبق امریکا که از مشاوران فعلی

دولت ریگان و وزیر خارجه اش نیز

ذرزال کساند هیگ می‌باشد

طرحی پیشنهاد کرده‌اند که

اساس آن ایجاد اغتشاش در

بخش‌هایی از ایران است که

بیشتر برادران اهل تسنن در

آنجا سکونت دارند.

عراقیها ضمن تأیید این طرح قول دادند همه امکانهای خود را

در اختیار این برنامه قرار دهند و ملک‌حسین پادشاه اردن هم

سرسخانه از آن دفاع جانهای کرد.

به راستی چه کسی است که

ندان در جریان تجاوز دولت بعث عراق به ایران دولت‌های اردن،

عربستان سعودی و کویت هم

اماکن‌های نظامی خود را در

اختیاریهای ایجاد شده از این

تجاوز قرار داده‌اند و یا در نقش

برخی از کسان که در تنظیم این لایحه دست

داشته‌اند، در گذشته معلم بوده‌اند، چگونه این گروه موافقت کرده‌اند که «صرف اعتقاد به مکاتب

غیراسلامی و مسلک‌های انحرافی و غیرقانونی»

موجب بازنیسته شدن افراد در بخش‌های آموزشی

نشود.

بغض که «اعتقاد نداشتن به مکاتب

غیراسلامی» روشن باشد، مقصود نویسنده گان لایحه از «مسلسلهای انحرافی» چیست؟ از «غیرقانونی»

بودن مسلک‌ها چه هدفی دارند؟ جز اینکه بطور دقیق با تصفیه عقیدتی میخواهند «مکتبی» ها و

گروهی را که خط و ربط «حزب حاکم» را قبول

دارند، بکار بگمارند و بقیه را بشدیدترین وضعی که

حتی در حکومت‌های توتالیتاریستی هم نظری ندارد، سر کوب نمایند.

شاه خائن، و خلع نابود شده، نیمی از خرهای

آن را درباره «حزب رستاخیز» زد و آوارگی و

فلاتک خود را فراهم آورد، آیا گمراهان پند

نمی‌گیرند؟ روش نیست چگونه بخود اجازه

داده‌اند، چنین لایحه ضداسلامی و ضدانسانی را

تهیه نمایند و به مجلس بدهند و مجلس هم

یک فوریت آنرا تصویب کند؟

چگونه بخود اجازه میدهند مرد رهاسده و

حیثیت یافته‌ای را که بر بنیاد آموزش‌های انسان‌ساز

اسلامی می‌خواهند، زندگی سرافراز و انسانی

حل فوری برای درگیری‌هایی که آلت اجرای

جهان اسلام را زده می‌گسلد بیاند و به شیوه‌ای قاطع برای

احقاق حقوق مسلمان‌های تحت سلطه صهیونیسم گامی بردارد.

در مورد جنگ عراق علیه است تاکنفرانس سران اسلامی

از این سران کشورهایی به این کشور

از هنگ‌زبانه در گذشته عربستان

سعودی که پس از مرگ حمال عبد الناصر داعیه رهبری خواسته

درگذشت و بوجود آمد و عرب را داشت

پادشاه در گذشته ایشان

اصطلاح اسلامی چیزی از حفظ

چون مهمترین انگیزه تشکیل

کنفرانس سران سوم

جنگ عراق و ایران دادن

آتش سوزی مسجد الاقصی در گذشته

در سال ۱۳۴۸ در برابط پایتخت

مرکش به ایتکار ملک فیصل

درگذشت و بوجود آمد و عرب را داشت

پادشاه در گذشته ایشان

کنفرانس سران اسلامی

از هنگ‌زبانه در گذشته

بایان دادن

کنفرانس سران سوم

جنگ عراق و ایران دادن

در کشورشان بر سر کار آمدند و ر

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

نکته‌ها

بقیه از صفحه هشتم

بی‌اعتمادی به خبرهای روزنامه‌ها؟

ار آنجا که بعضی‌ها به درستی از خبرهای بعضی از روزنامه‌ها تردید دارند (حتی اگر خبرنگار نماینده آن روزنامه هم در محل گزارش یا موقع خبر بازداشت شده باشد) باز هم برای اطیبان از صحت خبر!! در اولین فرصت سعی می‌کنند سری به آن دیار بزنند و از ته و توی قضیه سردرباورند. سعفهای بعضی از شخصیت‌ها شهد و اصفهان و بستان‌گی هم به همدان، که به دنبال منتشرشدن بعضی خبرها در این شهرها انجام گرفته است، نشان میدهد که دست‌اندر کاران حکومت تا جه اندازه به تحقیق و بررسی اهمیت میدهدن!! در عین حال تا اجه اندازه به خبرهای بعضی از روزنامه‌ها سی اعتنا هستند!؟

احتکار به وسیله تلفن؟!

یکی از همکاران نکته سنچ و دستور دان می‌گفت: این روزها بی‌توجهی به رسم الخط و دستور زبان فارسی آنقدر وسعت پیدا کرده است که گاهی وقها آدم آنچنان از خواندن اطلاع‌های واخترایه‌ها عاجز می‌شود که ناچار باید احساس شرسنگی کند و جلوی سرو همسر عرق برید.

جمله‌های طولانی و بی‌سرو ته متن‌های بدون نقطه و ویرگول و پیر از غلط‌های اصلی و دستوری، همه‌ی زیبائی نثر فارسی را زیبا نمایان برده است.

به عنوان مثال در روزنامه‌های هفتۀ گذشته اطلاع‌های از سوی «دادسرای انقلاب اسلامی» تهران، ویژه امور صنفی «صنفی» چاپ شده بود که ناگزیر شدم دوباره آن را بخوانم تا مفهوم آن را بخوبی درین این اطلاع‌یه که بصورت یک جمله طولانی نوشته شده، اینچنین بود:

«بدینوسیله به اطلاع شهروندان عزیز میرساند بازرسی سیار دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی تهران با احدهای مجهر به بی‌سیم خود آماده است اطلاعات همشهریان عزیز رادر ابسطه باحتکار دریافت نموده و سریعاً رسیدگی نماید انتظار می‌رود مردم قهرمان تهران این دادسرای رادر مبارزه بی‌امان باحتکار به وسیله تلفنهای ... یاری فرمایند.»

ابتدا من فکر کردم کسانی هستند که بوسیله این دو شماره این روزنامه این روزنامه کیهان، تاریخ دوشنبه ششم بهمن ماه، مقاله‌ای آمده بود زیر عنوان «گامی در راه صدور انقلاب اسلامی» در این مقاله، نویسنده، سعی کرده است پیشنهادهایی در جهت صدور انقلاب بدده و از جمله نوشته است:

«یکی از راههای صدور انقلاب اسلامی، ایجاد یک تشکیلات منظم برای جذب افراد متخصص و متعدد غیر ایرانی است.»

حالا کسی نیست به این «خواهر» یا «برادر» نویسنده بگویید، «رفیق! تو که می‌گوئی، حداقل جرات داشته باش و راستش را بگو.

مگر متخصص‌های ایرانی چه ایرادی دارند که تو به سراغ متخصص‌های غیر ایرانی رفتی؟

اگر می‌گوئی همی متخصص‌های متعدد ایرانی را که «مکتب» نیاورده‌اند!! از کارها کنار گذاشته‌اند، خوب دلیل نمی‌شود که غیر ایرانی‌ها، بطور حتم «مکتب» دار باشند. حالا متخصص‌های ایرانی اگر «غیرمکتبی» هستند، خیلی هایشان تعهدشان را حفظ کرده‌اند، اما احتمال اینکه غیر ایرانی‌های «مکتبی» تعهدشان را خیلی زود از بارند، خیلی زیاد است!!

آنوقت صاد اتفاقاً ما هم می‌شود مثل صادرات کالاهای داخلی که به شکر: به داشتن «دولت مکتبی» به «صرف» رسیده است.

بازداشت می‌کنند و به زندان می‌اندازند.

شما اگر خود طرح کننده این نقشه‌های بیگانه شاد کن نباشید، بی شک اجرا کنند گان آن هارا یک به یک می‌شناسید.

اگر ندانید و نشناسید باید گفت که کلاهتان پس معركه است و بدا بحالتان که این چنین از ارام و بی خیال نشسته‌اید و چنین فاجعه‌هایی بیخ گوششان رخ میدهد.

کتاب‌سوزان؟!

بگوید و بنویسد، این چنین بی‌رحمانه و بی‌حداده می‌تواند و تحمل شنیدن یا خواندن کوچک‌ترین انتقادی را هم ندارند.

چگونه می‌توان باور کرد که در جمهوری اسلامی ایران کارهای صورت بگیرد که هیچ‌گاه نظام سلطنتی وابسته به بیگانه، از ترس خشم مردم، جرأت انجام بکی از آنها را هم نداشت.

این منطق را شما از کجا به عاریت گرفته‌اید که هرگونه اظهار نظر مخالف و هنر نوع ایرادی را باید درهم کوبید و گوینده نویسنده را به نیستی کشانید؟

کدام قانون و کدام شرع و کدام اصل اسلامی و کدام «مکتب» بشما چنین اجازه‌ای داده است که تا این حد به حرمت قلم و آچه مینویسد تجاوز روا دارد؟

این کدام ضدانقلاب است که کتاب «برتوی از قرآن» را محکوم به اعدام می‌کند؟

این کدام ضدانقلاب است که این همه قدرت و نیرو دارد که دروز روش کتابهای به قول شما «ضدانقلابی» را از کتاب‌فروشیها بسرقت سردد و در دل شب با کوکتل مولوتوف همی کتابهای یک یا چند کتاب‌فروشی را به آتش بکشد؟

این چه نیروی فوق تصوری است که شما، دستاندر کاران امور قضائی و انتظامی، از شناسایی آن ناتوان هستند؟

اگر شما آچه مینمایید هستید، از جهه رو مردم باید از ترس سواکهای جدید جلد کتابهای خود را بسازار و کوشاند و آن را در هفت سال پستوی خانه خود پنهان کنند، نکند یکی از عتمدان شما آنها را «لو» بدهد و داده هفت سال مضره به چندین و چند سال حبس محکومشان کند و بعد هم معلوم شود که آن کتاب پرتوی از قرآن «آیت الله طالقانی» بوده است.

آن روزهای پرشور آغازهای انقلاب که مردم دسته دسته به جلوی دانشگاه می‌امندند و کدام پستوی خانه خود را بسازار و آن را در هفت سال مضره به چندین و چند سال حبس محکومشان کند و بعد هم معلوم شود که آن کتاب راه به آتش ازرونق اندخته‌اید.

نمی‌خواهید بدانید که هیچ نیروی قادر نیست جلوی آگاهی و خواست مردم باید که حرفی کشاند. این چنین کتاب و کتابخوانی را ازرونق اندخته‌اید.

جراینه‌ها با کتاب و سوابد و شناخت و داشن، عناد ولجاج دارید. آیا گمان می‌بیرید که با جلوگیری کردن از انتشار کتاب و سوراندن کتاب راه به حائل خواهید برد؟ هیهات که....

اما شما آن نیستید که مینمایید، شما نیک مینمایید که چه کسانی و باچه برنامه‌های از کشاند.

که کلیه صنایع می‌باشند می‌شوند و ما دیگر ار دست این بدهای الف، ب، ج، و دال مبنی بر مصادره کارخانه‌ها و واحدهای

تولیدی راحست شویم «البته با توجه به درست بودن اندیشه، وزیر دیگری لا یعنی به قید دو فوریت جهت بررسی دوباره وضع صاحبانش به مجلس شورا می‌برد و یا کار بدبست دیگری که استان اصفهان را اداره می‌کنند پس از این واحدها و برگرداندن آن به اتمام رسیده بود، هموز در بوته

فراموشی است.

کارگران که ستاره‌های در حشان انقلاب اسلامی ملت ایران به شمار می‌برند و توانستند

یک مصاحبه اظهار نظر می‌کنند که در

برای به راه انداختن چرخ تولید از بخش خصوصی دعوت شده تا

فعالیت اقتصادی خود را شروع کنند و امکاناتی چهت بررسی

طرح‌ها و کمک به آنها توسعه

دولت نظرهای اینها را بازگاه

استبدادی و باسته به بیگانه را

ساتوان و درمانه نمایند و با یاری

سایر گروههای اجتماعی به رانو

در اورید ایسک شاهد بابودی و

کاهش فعالیت کارگاهها

تعجب می‌کند اگر دولت انتخاب شده

بازاری که هر یک سازی کوک

مناید و هدفی و شیوه‌ای دارد

امکان فعل نمودن بخش

خصوصی وجود داشته باشد.

تفاوت نظرهای و نداشتن برname

کارخانه‌ای تویی طریق

ساز می‌مایید، وزیری به تحریم

پایه‌های شوراهای اسلامی

می‌پردازد و وزیر دیگری رسالت

اعجمانهای اسلامی را مورد نظر

دارد و درین میان درمانه

مدیرانی که از طرف

چینی کسان و ظیفدار گردانند

این واحدهای تویی می‌باشد و

گذشته از آنکه خود به ناگاهی و

ناکارایی دچار شده نیز توان

هرگونه استکار و عمل را از آن

گرفته است.

چند گانگی در نعوه مالکیت و

مدیریت کارخانه‌ها کارگاهها

«غرفتی» است که با توجه به

جدول ارشاهای انقلاب، دولت

خواهد کرد از می‌توانست

می‌تواند ارگانهای باشد که

محب حق و تداوم انقلاب و

برقراری قسط اسلامی شوند،

ایشان بر قانونی شدن شوراهای

تکیه می‌کنند ایشان دارد

که چانچه مدیرانی شایسته، آگاه

و پرتوان اداره کارهارا به عهد

گیرند، بسیاره پرش دیگر در

اجتماع اقلای طریق

شانه‌های سیار دلالت

برمی‌کنند پاسخ آنها دارد و

اکمال تاسف صنایع ایران که

می‌گذرد از طرف

کارخانه‌ای این را شروع

آدمان ملت

صفحه هفتم

ارگان حزب ملت ایران

گستاخی ریگان

س دور از هدفهای انسانی طرح کردن موضوع بازداشت جاسوسان آمریکائی به این شکل، ایران را در موضع نامساعدی قرار می‌دهد. و برای دشمنان زمینه فراهم می‌آورد که س انقلاب بنارند.

باید یکبار و برای همیشه این نکته را روشن کرد که سازداشت شدگان آمریکائی در ایران به کار جاسوسی و توطئه‌چینی اشغال داشته‌اند و عنوان نمایندگی سیاسی را به گونه‌ی پوششی سرای کار اصلی خود برگزیده بودند.

باید سندها و مدرک‌های برهکاری این گروه و پیشینیان آنها را هم به صورت اصل و هم به صورت ترجمه به ربانهای گوناگون در سرتاسر جهان انتشار داد تا مباداً کسی تصور کند که آمریکائی‌ها به «گروگان» گرفته شده بودند.

باید با یک هجوم تبلیغاتی گسترده، فضای را که آمریکایی

امیریکا پیرامون موضوع جاسوسان بازداشت شده پدید آورده درهم شکست و همهی واحدهای سیاسی و همهی نمایندگی‌های ایران در خارج را واداشت تا بخش بزرگی از نیرو و گوشش خود را در این زمینه به کار گیرند

و اجازه ندهند که ذهن مردم جهان را نسبت به مبارزه دادگرانه ملت ایران این چنین مشوب گردانند.

چنانکه دیده می‌شود همهی دستگاههای تبلیغاتی آمریکایی جلوه دادن چرایی و چگونگی بازداشت شده کاری‌ها به آگاهی همهی ملت‌های جهان برسد و فرسته‌های آنها نگرفت که همهی تهیه‌کنندگان آن، ستمها کشیده و غارت‌ها دیده و تلخی‌ها چشمیده است.

برخورد جدی انقلاط با آمریکایی‌ها است که این شدت در زیر این تهیه‌کنندگان با گستاخی آشکارا بگوید ضرورت دارد «در ایران دولتی روی کار آید که اخترات یک دولت واقعی را داشته باشد».

درگیری ایرانیان با آمریکایی‌ها به این بود تا این تبه کاری‌ها به آگاهی گرفته شد، هیچ پیروزی برای دولت که خود را درست اعتقاد میداند حاصل نیاورد و بر سیاری از افتخارهای اتفاق نشاند و تنها بوده کشیده است.

ولی شیوه برخورد دولتمردان ناگاه و ناتوان و شاید هم وابسته با این موضوع سرنوشت‌ساز، به دشمن فرسته داد تا خود را «مظلوم» جلوه دهد.

این فغان و غوغائی که آمریکایی‌ها این کار را در سراسر جهان علیه اتفاق ایران به راه انداده است، بی‌گفتگو را شدید شیوه ناروایی برخوردهای با موضع بازداشت جاسوسان بازداشت شده و محدود ساختن مبارزه و خواستهای ملت ایران در چارچوب یک تصفیه حساب باشند.

اگر در برخورد کاسپیکانه برای تعیین تکلیف جاسوسان بازداشتی کاری است ناروایی این دشمن اگر در هنگام تنظیم سند نهایی برای رها داشتن جاسوسان از دادرسی و کیفر از سوی دولت

ملت ایران را به یکانه بخشید. امروز همان ماجرا در شکلی دیگر تکرار می‌شود و به مردم غارت شده و ستم رسیده‌ای که برای رسیدن به حقوق خود به هر داکاری و جانبازی تن داده‌اند گفته می‌شود که ارادید «کاسپیکارانه» دست بردارند، واینقدر نگویند که «جهه گرفتیم و چه نگرفتیم» اگر قرار براین بود که ایران در مبارزه خود مبلغی هم به نظام بانکداری امپریالیسم امریکا هدید. کند، باید حقیقت با مردم در میان گذاشته میشند تا خود به چاره برخیزند.

سیل خروشان مردمی که خیابانهای تهران را زیر پامی گذاشت و به سوی لانه جاسوسی به حرکت درمی‌آمد، برای آن تبود که در درافت حقوق قانونی و ترتوت خود دست از دقت بردارند.

این مردم به خاطر آن برای ایستادند و خروشیدند که شاید بتوانند «حاکمیت ملی» خود را پس از دارایی کنند و در پرتو آن دارایی‌های غارت شده راهم به دست آورند.

اینکه همان که افتخارهای بدست آمده را به هیچ گرفتند و نه همان که شیوه واریز دارایی‌های ایران سراسر زیانبار بود، ملامت زمامداران هم برهمی تلخی‌ها افزوده شد.

دولت هیچ پیروزی حاصل نیاورد و غرومیلی را خدشه دار کرد و دارایی‌های ایران را بیاد داد و چنین دولتی دیگر حق ندارد زیان به ملامت مردم کشور بگشاید. راستی دولتمردان با کیه بر کدام دست آورد خود این چنین فخر می‌فرمودند و برهم اوران می‌تازند.

پاسخ روش و قطعی به گرافکوئی دولتمردان این است که مبارزه ملت ایران با آمریکایی‌ها کشانده‌اید و در پیشگاه تاریخ این ندانم کاری هرگز بخشوده نخواهد شد. اب

بی درنگ به توقيف آنها پرداخت. در بازار جهانی امروز جز با پول نمیتوان، و سیله رفاه مردم و پیشرفت کشور را فرامه آورده و جز با پول نمیتوان ایزارهای سرمایه‌ای تهیه و به کشور وارد کرد تا بر قدرت اقتصاد ملی افزوده شود.

ذخیره‌هی مورد گفتگو قرار گرفته و فرو پاشیده شده، عصاره سیار دارایی‌های ایران که ربوده است که مال همه این گفتگوها بسیار کردند و یغماً کردند و مبلغهای بسیار بزرگی است که از منبع‌های طبیعی کشور برگرفته‌اند.

سخنگوی دولت چرا از مردم، می‌خواهد که از دید «کاسپیکارانه» دست بشویند، بهتر بود که ایشان از طرفهای گفتگوی خود می‌خواستند که دید چاچولگرانه را تغییر دهند.

هر کس اجازه دارد دارایی خویش را به هرسان که میل دارد به داد و ستد گذارد ولی چنین اختیاری در مورد «اموال عمومی» به هیچکس داده نشده و باید تا آخرین دینار آنها به حساب گرفته شود.

در مورد «اموال عمومی» باید چرتكه انداخت و غیر از ماشینهای دقیق حساب تا یک هزار آورده و دریافت کرد. اگر مردم، نسبت به «اموال عمومی» دید کارکرده شده، عنوان کرده است

نه دلالی دادن و قرار بهادن آنهاست که این شیوه ناستوده بیان گردیده. از سوی دیگر، طلب کردن حقوق قانونی و دارایی‌های مردم غارت شده چرا باید زیر عنوان «کاسپیکارانه» مورد تخطیه قرار گیرد.

مگر نه این است که ایران در تاریخ قرار گرفته و مگر نه این است که مال همه این گفتگوها برای امپریالیسم آمریکا به صورت رقه و عدد و دلار جلوه می‌کند، بس چرا باید ایران، حقوق مالی خود را فراموش کند.

این بولهای اندکی است از سرمایه خود را از بردند و سخنگوی قرار چه «بزرگواری» را از خود نشان داده اند که اینک، ایران باید در «کاسپیکارانه» دست بشویند، بهتر بود که ایشان از طرفهای گفتگوی خود می‌خواستند که دید چاچولگرانه را تغییر دهند. این بولهایی که بهره مانده‌اند.

این بولهایی که بهره مانده‌اند، تعلق به کسانی دارد که یک در میلیون مورد واریز قرار گرفته، از آن مردم تهدیست و شوری‌دهد حالی است که از همه موهبت‌های زندگی بی‌بهره مانده‌اند.

این بولهایی که بهره مانده‌اند، تعلق به کسانی دارد که یک در میلیون مورد واریز قرار گرفته، از آن خود را برای پایداری ایران نشان می‌کند. پولهایی که مورد گفتگو قرار گرفته و به آسانی از روی میلیاردهای آن پریده‌اند از آن صدها هزار آواره‌ای است که جائی هزار آورده و دریافت کرد. این بولهای انداده ندارد.

این بولهای انداده ندارد، دولتمردان نیست که رها از هر «حسابرسی» نسبت به آن اخذ تصمیم نمایند. هر ریال از این بولهای مصرف شایسته دارد و با آنها می‌شود، برای میلیونها ایرانی درمانده، کار فرامه آورده و گرسنگان را خوارک و برخنگان را پوشانک و بی‌خانمان‌ها را سرینه‌داد.

اگر برخورد کاسپیکارانه برای تعیین تکلیف جاسوسان بازداشتی کاری است ناروایی این دشمن اگر در هنگام تنظیم سند نهایی برای رها داشتن جاسوسان از دادرسی و کیفر از سوی دولت

در ساعت پانزده روز چهارشنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۵۹ که برابر با یازدهمین سالگرد جانپاری دلاوران کوهستان فریدون نجاح و احمد فرزین نیا بود و باستگان سازمان کوهنوردی و اسکنی ابرمود و نمایندگان دبیرخانه حرب ملت ایران نرمزار این دویار یافتدند. در این گردنه آئی، پس از فاتحه خوانی و گل گذاری، همزرم عبدالله شاه طاهری از کوشش‌های پی‌گیر سازمان کوهنوردی و اسکنی ابرمود و آن دو قهرمان در دوران اختناق نظام سلطنتی و اسسته به بیگانه یاد کرد.

بر مزار دلاوران کوهستان



وابستگان سازمان کوهنوردی و اسکنی ابرمود
بر مزار دویار به خون و خاک خفته خود



هرمزم سیف دستیار دبیر حزب بر مزار دلاوران
کوهستان فاتحه میخواند

آدمان ملت

ارگان حرب ملت ایران

در جهان ملتها چه میگذرد

گروگانهای دیگر!

اسقف کاپوچی یکی از رهبران دینی فلسطین در دیدار با جاسوسان آزاد شده آمریکائی گفت: «حالا که همه چیز به پایان رسیده است، من از شما میخواهم تا گروگانهای دیگر را در جهان به یاد آورید، گروگانهایی که تعدادشان حدود پنج هزار تن میشود که همگی در زندانهای حکومت صهیونیست اسرائیل هستند و مدت این زندانها ن فقط چهار صد و چهل و چهار روز بلکه برای سالهای متمادی میباشد.»

موج ایستادگی مردم در مصر

پلیس حکومت مصر در شهر «اسیوط» به سوی دانشجویانی که دست به نمایش خیابانی زده بودند، تیراندازی کرده و سه دانشجو را کشت و همچنین بیش از صد پنجاه تن از آنها را بازداشت کرد.

از سوی دیگر پلیس سیصد و پنجاه تن از ساکنان شهر اسیوط را به خاطر جانبداری از دانشجویان بازداشت نمود.

در این حال براساس گزارش‌های رسیده بالفایش موج ایستادگی سازمان یافته مردم در اسیوط بیش از ده هزار تن از نیروهای امنیتی مصر به این شهر اعزام شده‌اند.

منطقه اسیوط از زمان سفر سادات به اسرائیل شاهد نمایشها و شورش‌های پی‌گیر مردم در برای سیاست زمامدار سازشکار کشور بوده است.

حق طلبی خلبانان یوگسلاو

دو تن از خلبانان یوگسلاوی به نامهای «احمد رامیک» و «بوسک پریزیک» که دوره‌های خلبانی دیده‌اند با فرستادن نامه‌ای به سفارت ایران در یوگسلاوی برای شرکت در نبرد علیه حکومت نژادگرای بعثت عراق آمادگی نمودند.

وضع نابسامان شیلی

دو تن از مردم شیلی که به تازگی از این کشور خارج شده‌اند، در مصاہب اعلام کردند، فشار حکومت دست نشانده شیلی برکار گران روز به روز افزایش می‌باید.

شرایط زندگی در شیلی بسیار سخت و در آمد متوسط یک کارگر در حال حاضر پنج هزار پزو (بیست و نه پزو برای بایک دلار است) می‌باشد.

قیمت ماده‌های غذایی و دیگر ماده‌های لازم به قدری افزایش یافته است که میانگین پرداخت برای بروآردن نیازمندیها کافی نیست.

حکومت شیلی ادعای میکند که میزان بیکاری در حال حاضر سیزده درصد است ولی به عقیده مقامهای اتحادیه‌های کارگری، بیش از بیست درصد از نیروی انسانی شیلی بیکار هستند.

گسترش اعتراضهای سیاسی در لهستان

ناآرامیهای سیاسی لهستان به دانشگاه‌های این کشور نیز رسوخ پیدا کرد و براساس گفته‌های مقامهای کارگری و دانشجویی دریکی از شهرهای لهستان به نام لئو، بیش از دو هزار دانشجو با رای انتخابی انتخاب شدند.

به تدریس اجباری مارکسیسم در دانشگاه‌ها دست به اعتراض زدند.

اقدام دانشجویان دانشگاه لئو به ایجاد اشغال دانشگاه پژوهشکاری دانشگاه و رشو توسط دانشجویان صورت می‌گیرد.

دانشجویان دانشگاه‌های لهستان خواستار لغو اجرای بودن ثبت‌نام در کلاس‌های فلسفه مارکسیسم و اقتصاد و همچنین جلوگیری از حمله‌های پلیس لهستان به داخل دانشگاه‌ها می‌باشند.

جنگ در امریکای جنوبی

براساس گزارش‌های رسیده، ناحیه‌های مرزی اکوادور و برو شاهد زد خوردهای نیروهای دولتی گردیده است، دو کشور برو و اکوادور در مورد کناره‌های رودخانه آمازون اختلافهای ارضی دارند و به موجب قرارداد «ریودورانیرو» قسمت بزرگی از ناحیه‌های جنوبی اکوادور در کنار رودخانه آمازون به برو داده شده ولی اکوادور در صدد بازپس گرفتن این زمینها می‌باشد.

به موجب همین گزارش‌ها شبیه گذشته در پی تهاجم هوایی هواپیمایی جنگی برو به نیروهای اکوادور، زد خوردهای دولتی به جنگ تمام عیار تبدیل شد.

از سوی دیگر اکوادور اعلام کرد، دفاع ضد هوایی این کشور دوهلیکوپتر و دوهواپیمای جنگی برو را سرنگون ساخت و در این حال دولت برو، ادعای کرد اکوادور، مفاد قرارداد «ریودورانیرو» را نقض کرده است.

از نامه‌های رسیده

چند صدقتن از مردم فریدن:

در طومار بزرگی به دفتر امام خمینی، دفتر ریاست جمهوری، دفتر نخست وزیری و دفتر استانداری اصفهان از کارهای فرماندار شهر خود شکایت کرده‌اند، در رو نوشته این طومار که به دفتر آرمان ملت رسیده، چنین نوشته شده است: «با الهام گرفتن از این خط‌مشی که بر مبنای اسلام قوار دارد برای شناسیدم که با تهیه طوماری از طرف اهالی شهرستان فریدن، این مردمی که رسالتی بجز ذم و تحمل مشقات برآسas مقتضیات زمان و مکان ندارند.

مردمی که برآسas فرضیات عده‌ای مغرض با مارک ضد انقلاب زبان حق گویشان را قطع و فریاد حق طلبانشان در گلو خفه شده است، دادخواهی می‌کنیم.

مردم، پس از استقرار حکومت اسلامی برآسas ابعاد و موازین مکتب مقدس محمد (ص)، چشم امید خود دوختند که به سردماران و دولتمردان جمهوری اسلامی دوختند که به خواسته‌های حقیقیشان نظری نموده جهت احراق حق آنها بشود، چرا که حکومت علی (ع) چنین بود.

«دراین برهه از دوران انقلاب گرچه هیچ بحث و فریادی نیست لیکن خودسازی را باید سرآمد هر عملی قرار داد سپس جامعه‌سازی و اگر در سرزمینی که قوانین مقدسه اسلام در آن حکم‌فرماست، شخصی در صدد پایمال نمودن حق دیگران است، امت مسلمان باید برای احراق حق خود از جان و مال خود بگذرند.»

در قسمتی دیگر از طومار آمده است: «از طرف دولت شخصی به نام امید» به عنوان فرماندار منصوب گردیده که شخصی است با سیمایی به ظاهر اسلامی و در بساط خصلتی دیگر دارد و رفتارش و افعالش با خط اسلامی مقایر می‌باشد.

بدین معنا که اگر بررسی شود همه شهروستانهای ایران در بعد از انقلاب در شاهراه ترقی رهنمون گشته و بالعکس داران و دهات حومه آن نه تنها فرقی نکرده بلکه تنزل نموده است که موجب شده کلیه اهالی فریدن نسبت به انقلاب بدین شده‌اند و کارهای ایشان بر مبنای: «ایمال نمودن حق فریدن - اهانت علی ایشان بر مبنای: «ایمال نمودن حق فریدن - اهانت علی به مردم - تهدید و ارعاب افراد بیگناه به جرم حق گویی کم کاری - طرد کردن افراد فعل و متعهد تبعیض قائل شدن و غیره می‌باشد.

همین امر باعث از جار اهالی شده که در سال گذشته انجمنی اجهت اعتراف به این شخص تشکیل گردید و لی با تهدید و ارعاب به وسیله اسلحه از طرف سپاه پاسداران روپرورد که درنتیجه بی‌ثمر بود.

چند روز پیش فرزند امام خمینی حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی و داماد امام و آقای بجنوردی که از جبهه به استان اصفهان مراجعت مینمودند برخوردي با چند نفری از اهالی داران داشتند که به این امر بی‌بردن و مارا امیدوار به اقدام نمودند که هنوز هم به همین امید باقی هستیم.

در ریاض طومار نوشته شده است: «استدعای رسیده و بذل توجه از راه تحقیقات محلی را در اینجا...»

سال «امنیت» و سال «استقامت»

آدم گاهی وقتها ناگزیر می‌شود با از توی کفش «مکتبی‌ها» در آورد و پاتوی کفش رئیس جمهور هم بکند.

در خبرها آمده بود که رئیس جمهور در قسمتی از سخن خود در سمنان گفته است: «..... سال پیش من با مقاومات تحت عنوان - مسئولیت - داوطلب ریاست جمهوری شدم و امسال در اولین روز سال دوم ریاست جمهوری می‌خواهم با کلمه استقامت - دوران تازه‌ای را ملت ما شروع کنم.»

البته تا آنجا که در باورها مانده است، قرار بود سال پیش، در عین حال که سال مسؤولیت برای ریاست جمهوری بوده، سال «امنیت» برای ملت ایران باشد که گویا به نفس سیزده خود و تبدیل شد به سال «استقامت» مردم در تحمل نامنی و هرج و مرگ!

و حالا که همه دولتمردان حتی حرفاها یک هفته قبل خودشان را فراموش می‌کنند و مردم هم زیاد سخت نمی‌گیرند و «استقامت» می‌کنند و جلوی زبان فضولشان را می‌گیرند، چه بهتر که رئیس جمهور هم از این فرستاده کند و سال گذشته را هم بجای سال «امنیت»، سال استقامت اعلام کند که در ضمن مردم هم دروغ نشینیده باشد!!

بدیهی است سال آینده همانگونه که رئیس جمهور اعلام کرده سال «استقامت» خواهد بود.

نکته‌ها

آن نویسنده‌گان کجا هستند؟

حسنه بر رور شبیه یازدهم بهمن ماه به دعوت اجمن اسلامی از مؤسسه کیهان، بازدید بعمل آورد و ضمن گفتار خود در حمایت کارکنان یاد آور شد: «قارن این دیدار با... آدم را به یاد دو کلمه بزرگ می‌اندازد که کیهان با حروف درشت و خوبی برگ که قلب همه زجر کشیده‌ها و آگاهان جامعه را حوشحال کرد، بوقت و آن کلمه «شاه رفت» بود که همیشه به یادتان هست.

وقتی که این کلمه را نوشتند روزنامه شما پلاکارد همه گویی احساسات قلبی مردم ما بود و آن را بدست گرفتند و دیدند همان چیزی را که آنها می‌خواهند شما نوشتید. وی افروز بدبیل این کلمه، کلمه دیگری نیز در همان حد جالب نوشید که آن هم بسیار مؤثر بود خود شما میداند که چه عکس‌العملی بدبیل داشت و آن کلمه امام آمد بود.»

ای کاش بحسب وزیر با این حافظه قوی از گردانندگان کنوی کیهان، پرسش میکرد، نویسنده‌گان این «دو کلمه»‌ها دلپسند مردم که در آنها گامه پر بیم و امید از جان و هستی خود می‌گذاشتند تا انجام وظیفه کنند در حال حاضر کجا هستند و چه می‌کنند؟

بیله دیگ، بیله چغندر!

خبرداده شد که یکصد و بیست تن از نایندگان مجلس شورای اسلامی از «پیروزی انکار ناپذیر دولت» در حل مساله «گروگانهای آمریکائی»، آنها به «نیکوتین وجه»، ابراز خشنودی نموده و از رئیس دولت تقدیر کرده‌اند.

مصادری اموال مصادره شده؟!

از قول نایندگان آقای خلخالی در مرکز جمع‌آوری اموال مصادره شده از قاجاقچیان مواد مخدور نقل شده است که:

«روز دوشنبه (هفته گذشته) نایندگان مصادره شده به این مرکز مراجعه نمود که حجت‌الاسلام خلخالی برای تحويل خواستار حضور نایندگان این نخستوزیری، بانک مرکزی و خبرنگاران رادیو تلویزیون و جراید شدند و روز چهارشنبه را برای انجام این کار تعیین نمودند.»

«روز سه شنبه گروهی حدود سی تا چهل نفر از افراد مسلح که از طرف دادستانی مأموریت داشتند، بدون در جریان گذاشتند و بیان مسئولین و ب بدون اطلاع قبلی

این اموال حمله آوردن و تمام فرشها و پوستهای قیمتی و دیگر اجتناس عتیقه و گرانها، که از قاجاقچیان مصادره شده بود و میلیاردها ریال قیمت گذاری شده بود، بوسیله چند بنز

خاور که به مردم آورده بودند با خود بردند. این خبر که به تائید زور از خیابان آورده بودند و هم چنین شش وات بار، که به

مقامهای مربوطه نیز رسیده است، آدم را به یاد آن دو نفری میاندازد که سر تقسیم بهم جنگیدند و بالآخر نفر سوم.....!!

آقای لاهوتی بی‌شک استباش شده است

دوستی گفت از وقتی که شنیده‌ام آیت‌الله لاهوتی در مجلس گفته است که من حدود پنج ماه است

من نوع الخروج شده‌ام، دارم از تعجب شاخ درمی‌اورم. گفتم خوب برادر تو که خودت در سالهای بعد از کودتا تا همین آغازهای انقلاب «من نوع الخروج» بوده‌ایم! بی‌شک یک

چیزی بوده است که ما از آن خبر نداریم!!! دوست بی‌نوای من که سخت عصبانی مینمود گفت:

آخر عزیز من، من در آن دوره ممنوع‌الخروج بودم و علیش هم این بود که می‌گفتند تو علیه رژیم اقدام کردند و فعالیت سیاسی تو خوشایند دستگاه نیست و خلاصه آدم سلامتی نیستی... آخر سرداد... آن زمان

من نوع الخروج بودن ابهتی داشت، افتخاری داشت، آدم خودش را یک سروگردان از همه بالاتر میدانست....

اما حالا چی که بقول اینها، فقط «تفسیدین فی الأرض» باید من نوع الخروج باشند... نه بی‌شک یک اشتباهی شده، اصلاً ممکن است این یک آیت‌الله... اما نه شاید اینکه در آن نامه نوشتند حجت‌الاسلام..... اما نه، اینهم نمی‌شود؛ و بعد این دوست حقیر در حالی که با مشت روى

میز میکوبید گفت: آخه چطور میشه کسی که.... و بی‌درنگ مثل اینکه معمائی را حل کرده باشد گفت:

فهمیدم، و اینها میخواستند مجلس از اکثریت نیفتد..... و بعد از کمی تامل گفتند.... نه اینهم نمی‌شود.

و در حالی که سخت از حل این معما عاجز شده بود با خودش مزمه میکرد که: نه..... آخر مگ میشود..... نه بی‌شک یک اشتباهی شده است.....!!